

دیگری ناهفت کس حبس شدند پس رسول صلی الله علیه و سلم از راه کعبه
 و سر نهاد و فرمود که وقت نماز باشد اما نگاه دارید و وی صلی
 علیه و سلم اول کسی که بیدار شد و اقیاب بر پشت مبارک وی افتاد
 بود پس ما بفرغ نام برخواستیم فرمود که سوار شوید سوار شدیم و بر
 تا اقیاب بلند شد مطهره آب طلبید مطهره که داشتیم آوردیم و وضو
 ساخت و اندک آبی در مطهره ماند فرمود که این را نگاه دارید
 مرا از آستانه عظیم خواهد بود پس رکعتین سنت خمسه گذارد و بعد از آن
 فرض را چنانکه هر روز میکند از پس فرمود که سوار شوید سوار شدیم
 و با یکدیگر آهسته می گفتیم که تقصیر کردیم و نماز نوبت شد فرمود که شمار
 بمن ایتد این نیست بدست می که در خواب تقصیر نیست تقصیر نیست
 که تا وقت نماز دیگر از آن گذارد بر کس را که این واقع شود باید که آن
 نماز را بگذارد و دست می که نگاه شود پس فرمود که چه جان می برید که
 مردی که بر پیش رفته اند چه کرده باشند باز فرمود که چون با ما در کرده
 پس فرمود در این ناهفت سوار شوید ابوبکر و عمر گفتند که رسول صلی الله علیه و سلم در
 عقب است از آن قبیل نیست که شمار ابا را پس گذارد و دیگران

که در پیش است اگر مردم فرمان ابوبکر و عمر می برتد راه راست
 می یابند چون روز بلند شد مردم رسیدیم همه فریاد بر آوردند که
 یا رسول الله از تشنگی هلاک شدیم رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
 که لاله لک علیکم بس نس و دانید و فرمود که قبح صغیر را بسیار بر آورده
 آن مطهره را که در آنجا بقیه بی بود طلبید آوردیم آب از آنجا در آن
 قبح میر بخفت و من مردم میدادم چون مردم دیدند که در مطهره آب
 اندکست با یکدیگر مضایقه کردن گرفتند رسول صلی الله علیه و سلم
 فرمود که بدخواستی گفتید که همه سیراب خواهند شد پس رسول صلی الله
 علیه و سلم آب میر بخفت و من مردم میدادم تا همه سیراب شدند
 و هیچکس باقی نماند غیر از من و غنیمت از رسول صلی الله علیه و سلم
 فرمود که بیاشام کفتم می انشام تا تو بیاشامی فرمود آن ساقی
 القوم احسن هم شرب یا من بیاشام میدم پس رسول صلی الله علیه و سلم
 بیاشامید بعد از آن باب رسیدند همه سیراب و ماندی
 اندختند **و از این باب** که مقدار این است و رضی الله عنه
 گفتند است که من و دو مار دیگر بیدار آمدیم و از ریخ راه جان

که در پیش است